

آشنایی با

حوزه فلسفی عرفانی تهران

قسمت سوم

عباس طارمی

باب عرفانیات در تهران از وی آغاز شده است.

الف - تحصیل و تدریس در مکتب اصفهان:

آقا محمدرضا در خانواده‌ای عالم و اعیان تربیت یافته و در نزد پدر و اساتید قمشه و اصفهان مقدمات را طی نمود. آقازادگی و بلند نظری و مناعت طبع او، از خواص آثار تربیتی در چنین خانواده‌ای بود. برخورد ایشان با واقعه قحطی سال مجاعه (۱۲۸۸ ق) نمودار روح لطیف و خلق عالی اوست. بطوریکه صاحب «طرائق» گوید:

«آن بزرگوار، مشرب صافی و اخلاق شافی داشت. چندین سال در آن دیار تدریس کتب حکمت و عرفان نمود. در سال مجاعه آنچه از ضیاع و عقار و مالیه داشت فروخت و صرف طلاب و فقرا نمود.»^۵

«آن بزرگوار پس از این واقعه هولناک سخت تنگدست گردیده، عمامه کوچکی به سر می‌نهاد و شلوار کرباس به پا می‌کرد و عبایی از پنبه - که در یزد می‌بافتند - به دوش می‌افکند. آقا میرزا احمد آشتیانی بنقل از آقا میرزاهاشم اشکوری (قده) می‌فرماید:

جناب آقا محمدرضا پس از آن واقعه احوالش تغییر کرد و مدتی با خلق تکلم نمی‌کرد، و دو سال در آن حال بود تا کم کم حال عادی یافت، اما اثر

مقدمه:

پس از بیان چگونگی تأسیس حوزه فلسفی / عرفانی تهران و انتقال مکتب فلسفی اصفهان به این حوزه، دوره تثبیت و تحکیم یا عصر «حکمای اربعه تهران» با بررسی مجملی از حوزه درسی سیدالحکماء میرزای جلوه و حکیم مؤسس آقا علی مدرس طهرانی، در این شماره از مقاله، به حوزه عرفانی و حکمی عارف الهی و حکیم صمدانی آقا محمدرضا قمشه‌ای در مدرسه صدر تهران پرداخته می‌شود.

۳- عارف حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای (۱۲۳۴ هـ ق -

۱۳۰۶ هـ ق)

آقا محمدرضا فرزند شیخ ابوالقاسم^۱ در سال ۱۲۳۴ هـ ق^۲ در قمشه اصفهان متولد شد. پدرش از فضلاء و علماء^۳ و اعیان^۴ قمشه بود.

آقا محمدرضا پس از طی مقدمات، در مکتب عرفانی و فلسفی اصفهان پرورش یافت و از اساتید عالی مقام آن مکتب استفاضه کرده، مدارج عالی عرفانی و حکمی را طی نمود و خود از اساتید بنام عرفان و حکمت الهی در آن مکتب شده، مشعل فروزان علم الهی را در آسمان حکمت و معرفت بدست گرفت.

عارف و حکیم الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای از حکمای اربعه تهران است که مدرس عرفانی و حکمی خاص خود را بر مبنای آثار محیی‌الدین عربی و شارحانش و مشرب صدرایی تشکیل داده است. وی انتقال دهنده مکتب عرفانی اصفهان به حوزه تهران، فتح

۱- مهدوی، سیدمصلح‌الدین - تذکرة القبور - کتابفروشی نفی اصفهان - سال ۱۳۴۸ - ص ۳۲۸.

۲- قزوینی، یادداشت‌های قزوینی، ج ۸، ص ۲۳۵، در تذکرة القبور تولد آقا محمدرضا ۱۲۴۱ هـ ق ذکر شده است.

۳- تذکرة القبور - ص ۳۲۸.

۴- یادداشت‌های قزوینی، ج ۸، ص ۲۳۵.

۵- طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۲۳۷.

آن تألم روحی تا پایان عمر در او باقی ماند.^۶
عارف حکیم الهی آقا محمدرضا پس از سال مجامعه و
بخشش تمام دارایی خود تا آخر عمر درویشانه زیست.
غلام همت آن رند عافیت سوزم

که درگدا صفتی کیمیاگری داند
اساتید حکمت و عرفان آقا محمدرضا قمشه‌ای در
اصفهان عبارتند از:

۱- آقا سید رضی لاریجانی:^۷ مؤسس حوزه عرفانی
تهران (متوفی ۱۲۷۰ ه.ق).

۲- آقا میرزا حسن نوری^۸ (متوفی ۱۲۴۷) فرزند
ملاعلی نوری.

۳- حاج ملا محمد جعفر بن محمد صادق لاهیجی^۹
(متوفی به بعد از ۱۲۵۵ ه.ق^{۱۰} پیش از سال ۱۲۹۴ ه.ق)
؛ سلسله اساتیدش به ملاعلی نوری و آقا محمد
بیدآبادی و سپس تا ملاصدرا و از وی تا شیخ‌الرئیس ابن
سینا هر یک از اساتیدش دریایی موج از حکمت الهی و
عرفان و دارای مدارج عالی علمی و عرفانی بودند. عارف
حکیم بیشترین استفاده را از عارف بزرگوار آقا سید رضی
لاریجانی می‌برند.

در تایید این مطلب، در مقایسه حاج ملا جعفر
لاهیجی (لنگرودی) با آقا سید رضی لاریجانی از آقا
محمدرضا قمشه‌ای نقل شده است که:

«در اصفهان نزد حاج ملا محمد جعفر
لنگرودی شروع به خواندن شرح فصوص نمودیم
و چون لاهیجی اقتدار کامل بتدریس این کتاب
نداشت بسراغ آقا سیدرضی مازندرانی (لاریجانی)
رفقیم و نزد او شروع به قرائت شرح فصوص
نمودیم. او از اینکه ما او را بر حکیم لاهیجی
ترجیح داده‌ایم با حالتی نگران گفت: تدریس شرح
فصوص کار قلندری است و حاج ملا محمد جعفر
حکیم است نه قلندر.»^{۱۲}

براساس سیر تعلیم حوزه‌ها در علوم الهی، بنظر
می‌رسد که پس از تحصیل حکمت در نزد آقا میرزا حسن
نوری و حاج ملا محمد جعفر لاهیجی، شروع بتحصیل در
عرفان نظری و آثار محیی‌الدین و صدرالدین قونوی به نزد
آقا سید رضی لاریجانی کرده‌اند و پس از استاد بر کرسی
تدریس عرفان و آثار محیی‌الدین عربی می‌نشینند.

پس از هجرت آقا محمدرضا از اصفهان به تهران، در
واقع می‌توان گفت که مکتب عرفانی اصفهان از دو طریق
به حوزه تهران منتقل می‌شود: یکی از طریق آقا سید رضی
که فضل تقدم و استادی بر شاگرد دارد و دیگری عارف
حکیم آقا محمدرضا قمشه‌ای است.

عارف الهی، آقا محمدرضا قمشه‌ای تا سن شصت و
دو سالگی در اصفهان مشغول تدریس حکمت متعالیه و
عرفان بود و از آخرین بازماندگان سلسله اساتید حکمت و
عرفان در مکتب اصفهان شمرده می‌شود. چنانچه صاحب
کتاب جغرافیای اصفهان آورده است که:

«آقا محمدرضا قمشه‌ای از عظمای این
فن (یعنی حکمت الهی) می‌باشد و خدمت غالب
استادان بزرگ را درک نموده و تحصیل فرموده، از
هر خرمی خوشه‌ها چیده تا به تکمیل رسیده،
سالهاست در اصفهان تدریس می‌نمایند و فیض

عارف حکیم الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای از حکمای اربعه تهران و انتقال دهنده مکتب عرفانی اصفهان به حوزه تهران است که فتح باب عرفانیات در تهران از وی آغاز شده است.

۶- آشتیانی، سید جلال‌الدین - شرح فصوص الحکم، انتشارات
علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ ه.ش. ص ۱۱.

۷- عبرت نائینی، تذکره مدینه‌الادب، کتابخانه مجلس شورای
اسلامی، ۱۴۷۷ ه.ش، ج ۲، ص ۷۳۲، تذکره القیوم، ص ۲۲۸.

۸- همان منبع، و همچنین محقق داماد، سید مصطفی، نامه
فرهنگستان علوم - مقاله آقا محمدرضا قمشه‌ای، شماره ۶ و ۷ سال
۱۳۷۶، ص ۵۴ براساس حواشی احتشام‌الملک بر شرح اشارات
خواجگ که تقریر درس استادش آقا محمدرضاست. مانند: کذا قریب
الاستاد آقا محمدرضا دام‌طلبه، نقلاً من شیخه و استاده میرزا
محمدحسن ابن الفیلسوف علی النوری، غفراللهما.

۹- آنطور که صاحب تذکره القیوم گوید حاج ملامحمد جعفر
لاهیجی در اواخر عمر در تهران ساکن گردیده است. البته معلوم
نیست که آیا در تهران تدریس و تعلیم داشته است یا نه، بهر حال از
بزرگان فلاسفه مکتب اصفهان است که به تهران هجرت می‌نماید.

حاج ملامحمد جعفر پسر محمدصادق لاهیجی شاگرد میرزا
ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (م ۱۲۰۲ ق) و ملاحزاب گیلانی
(م ۱۲۱۷ ق) و ملاعلی نوری (م ۱۲۴۶ ق) بوده است. از آثارش
شرح بر مشاعر و حاشیه بر الهیات شرح تجرید قوشجی. لازم بذکر
است که علامه قزوینی در یادداشت‌های خود (ج ۸ ص ۲۳۵) حاج ملا
اسماعیل حکمی (واحد‌العین) را غیر از اساتید آقا محمدرضا
برشمرده است. که در جای دیگر ذکر شده است.

۱۰- استاد صدوقی سها، مقدمه ذیل فص شیخی آقا محمدرضا
قمشه‌ای، مطبعه نور قزوین، ۱۲۵۴ ه.ش. ص ۲ بنقل از الذریعه،
تهران، ج ۶، ص ۶۱۴.

۱۱- نامه فرهنگستان علوم شماره ۶ و ۷، ص ۵۵، بنقل از مرحوم
جلال‌الدین همایی مقدمه شرح رساله مشاعر، ص ۱۵.

۱۲- ذیل فص شیخی، ص ۵ بنقل از مقدمه شرح لاهیجی استاد
سید جلال‌الدین آشتیانی.

به طلاب می‌رسانند، از بقیه قدما همین یک نفر باقی مانده است.»^{۱۳}

که ای صوفی شراب آنکه شود صاف

که در کوزه بسماند اربعینی
کنت گوینو^{۱۴} مؤلف کتاب «مذاهب و فلسفه در آسیای
مرکزی» که در سال ۱۲۷۴ هـ ق (۱۸۶۵ م - ۱۲۴۴ هـ ش)
مصادف با چهل سالگی^{۱۵} عارف حکیم آقا محمدرضا در
فرانسه چاپ گردید، آورده است که:

«این مرد (آقا محمدرضا) در زیرکی و فطانت
در درجه اول و در علم صاحب مقامی جلیل
است. حکمت و کلام را پیش حاجی محمد جعفر
لاریجانی و میرزا حسن نوری فرا گرفته، و در

عرفان و تصوف که فن خاص

اوست و در آن مهارتی بسزا دارد

شاگرد حاجی سیدرضی است و

حال، در اصفهان بتدریس

مشغول است.»^{۱۶}

از آنچه ذکر شد بدست می‌آید که
عارف الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای
حد اقل بیش از بیست و دو سال در
مکتب اصفهان به افاضه و تدریس
مشغول بوده‌اند.

آقا محمدرضا قمشه‌ای شاگرد بزرگ
آقا سیدرضی تارحلت استاد به شاگردی

در مکتب مسیحی‌الدین و شارحانش در نزد استاد
عظیم‌الشان خویش مشغول بوده است، می‌توان گفت که
تا سن سی و شش سالگی با بودن مدرس و مکتب
عرفانی استاد، تدریس نکرده، با این حساب بیست و شش
سال در مکتب اصفهان مشغول تدریس حکمت و عرفان
الهی بوده‌اند.

در طول دوره تدریس و تشکیل مَدَرَس فلسفی و
عرفانی در مکتب اصفهان، همانطور که دأب و روش
حسنه سلسله اساتید مکتب اصفهان احترام و تکریم
فقهای عظام و پیروی و تابعیت محض از سیره ائمه
طاهرین صلوات... علیهم بوده است، عارف حکیم‌الهی
آقا محمدرضا بر همین اساس و بر همین شیوه، مشی
کرده است.

درباره پابندی سلسله اساتیدش به شریعت، لازم
است اشاره شود که:

درباره استاد استاد آقا محمد بیدآبادی آورند
که: «فرزند ملامحمد رفیع گیلانی، عالم فاضل حکیم
فیلسوف فقیه زاهد متشرع جامع عابد متقی بود»^{۱۷}.

و استاد استادش آخوند ملاعلی نوری فیلسوف فقیه و
حکیم، ادیب و شاعر از متدینین حکمای اسلام و
مشرعین فلاسفه بوده با علمای بزرگ همچون میرزای
قمی و سید حجة الاسلام و حاجی کلباسی خصوصیت
داشته و مورد کمال علاقه و احترام آنان بوده است.

مرحوم نوری در مدرسه کاسه‌گران تدریس می‌نموده و
اغلب به مسجد میرزا باقر واقع در بیدآباد جهت درک نماز
سید حجة الاسلام حاضری شده است.^{۱۸}

و استادش آقا سید رضی لاریجانی مؤسس حوزه
عرفانی همانطوریکه در شماره اول سلسله مقالات، ذکر
شد و آن اینکه آقا میرزا طاهر تنکابنی آورده‌اند که:

«استادم - آقا محمدرضا قمشه‌ای - فرمودند:

چون صبحها بمنزل

سید معظم - آقا سید

رضی، بسرای درس

حاضر می‌شدیم آن

بزرگوار همه روزه به بام

خانه‌اش مناجات

خمسه عشر را که مأثور

از حضرت سید

الساجدین زین‌العابدین

علی بن الحسین

علیهما السلام است از

حفظ می‌خواند و چون

پرشورترین و پویاترین اوقات در حوزه عرفانی و فلسفی تهران، دورانی است که عارف حکیم الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای به تهران می‌آیند و مرجع حکمای الهی با وجود ایشان در تهران کامل می‌شود.

۱۳- نامه فرهنگستان علوم شماره ۶ و ۷، ص ۴۹، بنقل از میرزا
حسین‌خان فرزند محمد ابراهیم خان تحویلدار اصفهان معاصر
محمدشاه قاجار (۱۲۹۴ ق)، جغرافیای اصفهان، مؤسسه مطالعات
و تحقیقات اجتماعی، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۶۹.

۱۴- کنت‌گوینو: منشی سفارت فرانسه در ایران از سال ۱۲۷۱ تا
۱۲۷۴ و وزیرمختار فرانسه در ایران از سال ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۱
می‌باشد. رجوع شود به لغت‌نامه دهخدا.

۱۵- از غزلیات عارف الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای است که:

چهل سال عمر با خرد و هوش زیستم

آخر نیافتم بحقیقت که چیستم

عاقل ز هست گوید و عارف زنیستی

من در میان آب و گل هست و نیستم

من صدر بزم انسم و مجلس نشین قدس

لیکن تو چون بیزم نشینی بایستم

زان خسنده آیدم ز کمالات دیگران

کاندر کمال خویش جو دیدم گریستم

(بنقل از شیخ جابری، تاریخ اصفهان، جلد سوم، ص ۵۸)

۱۶- مدرسی چهاردهی، مرتضی، تاریخ فلاسفه اسلام، انتشارات
علمی، سال ۱۳۳۶ هـ ش، ص ۲۳۴.

۱۷- تذکره القبور، ص ۴۸۳.

۱۸- همان منبع، ص ۲۶۴ و ۲۶۵.

ثکالی (مادر فرزند از دست داده) می‌گریست و بعد از اجتماع شاگردان و مدرّس از بام به مدرّس می‌آمدند و همه روزه قبل از شروع به تدریس شرحی به شاگردان خود موعظه می‌فرمودند.^{۱۹} درباره خود عارف حکیم آقا محمدرضا آوردند که:

«وكانَ شديد التّسليم لأخبار أهل البيت عليهم السلام كثير الاتّصار على ظواهرها وكان يُعظّم الفقها ويحبّهم ويُرّجع إليهم ويعوّن عليهم...»^{۲۰}.

متقابلاً فقهای عظام به اهل حکمت و عرفان احترام نهاده از آنان در بعض موارد که مورد هجمه متعصبین و متحجرین قرار می‌گرفتند، دفاع کرده‌اند، و از مقامات عالی آنان یاد نموده‌اند. ولی، بهر حال، براساس عوامانه کردن دین توسط برخی از فقها و یا پیروانشان و عدم درک باطن دین و اسرار حکمت و عرفان و وحی الهی، بعضی از این فقها بدلیل عدم تفقه در جامعیت دین، حکم به تکفیر حکماء و عرفاء می‌کردند.

فقیه شهر حقیرم شمرد و باده گساران

دهند دست به دستم برند دوش به دوشم^{۲۱}
بطوریکه در مورد آقا محمدرضا قمشه‌ای برخی بر سر منابر حکم به تکفیر می‌نمودند و غلامحسین خان افضل الملک آورده که:

«درباره آقا محمدرضا قمشه‌ای بعضی کلمات بمیان آمد که بعضی از علما او را بر سر منبر تکفیر کردند.»

با سر زلف تو دل، نرد محبت می‌بافت

زاهد آشفته شد و از پی تکفیر افتاد^{۲۲}
و شاهد بر مطلب اول در دفاع فقهای عظام از عرفا و حکماء، آوردند که:

«شخصی که با مشرب عارفانه وی سر سازگاری نداشته، در ملاء عام به تلخ گوئی و بی‌حرمتی زبان گشوده باعث تحریک جماعتی علیه او می‌شود، تا جائی که نزدیک بود کار بالا بگیرد، ولیکن حضور بهنگام یکی از شاهزادگان در آن معرکه، باعث متفرق شدن جماعت فتنه‌گر شد، و خوشبختانه آسیبی به عارف قمشه‌ای نمی‌رسد!»^{۲۳}.

و پس از اینکه این خبر به حاج ملاعلی کنی بزرگترین فقیه شهر تهران می‌رسد بینهایت ناراحت و برآشفته گردیده، مسئولین حکومتی را احضار و با توییح عملی ناشایست آن جماعت، می‌گوید:

«صد مرتبه بمقامات گفتم تا برای تهران «شیخ‌الاسلامی» معین کنند، حرف مرا گوش نکردند، وگرنه کسی را جرأت آن نبوده و نیست که

به جناب عارف قمشه‌ای از گُل بالاتر بگوید.»
و بدستور وی، شخص محرّک آن ماجرا دستگیر شده، در نزدیکی مدرسه سپهسالار به مجازات عمل ارتکابی، ۵۰ ضربه ترکه بر آن بیخورد می‌نوازند.^{۲۴}
ب - هجرت به تهران و تشکیل مدرّس عرفانی تهران (۱۲۹۴ هـ.ق)

۱۹- نامه فرهنگستان علوم شماره ۷ و ۶، ص ۵۲، بنقل از «زندگینامه و آثار حکما و عرفا و متکلمان از آقا میرزا طاهر تنکابنی، نسخه خطی، محفوظ در فرهنگستان علوم، ص ۱۴.

۲۰- مقدمه ذیل فصّ شیئی، ص ۸، بنقل از آقا میرزا ابوالفضل تهرانی، پشت رساله فرق بین الاسماء الذات و الصفات.

۲۱- بیتی از غزل عاشقانه آقا محمدرضا قمشه‌ای که اینگونه سرایند:

به کف گرفت چو ساغر نگار باده فروشم
نداده باده به دستم نه عقل ماندو نه هوشم

قیامت است می ارغوان از پنجه ساقی
اجازه گردهی ای شیخ یک پیاله بنوشم

مرا رفیق موافق مخوان و یار مناسب
به حلقه حلقه زلفت غلام حلقه بگوشم

فقیه شهر حقیرم شمرد و باده گساران
دهند دست به دستم برند دوش به دوشم

به عالمم سر مویی نمی‌خری تو و لیکن
بیا که یک سر مویت به عالمی نفروشم

برفت ناله صهبا به عالم ارنسپندی
نمک مپاش بریشم که بیش از نخروشم

(بنقل از منبع قبلی، ص ۱۱)
۲۲- بیتی از غزل آتشین عارف الهی آقا محمدرضا قمشه‌ای که اینطور سروده‌اند:

دل سرگشته به زلف تو به زنجیر افتاد
باز کسارم همه با ناله شبگیر افتاد

سر زلفت دل شوریده به ابرو بسپرد
کار سودایی عشق توبه شمشیر افتاد

کس به تدبیر عمل راه بسوی تو نبرد
در ازل دولت وصل توبه تقدیر افتاد

با سر زلف تو دل نرد محبت می‌بافت
زاهد آشفته شد و از پی تکفیر افتاد

در ازل حسن رخت نقش معانی می‌کرد
سانی از جلوه آن در پی تصویر افتاد

چه کند دل که فتنه است به سر پنجه عشق
چه کند صید که در معرکه شیر افتاد

آب دندان تو با آن لب شیرین آمیخت
الفنی نیز میان شکر و شیر افتاد

خواب دیدم شبم آشفته و روزم سیه است
زلف مشکین به رخت دیدم و تعبیر افتاد

عشق و مستی و جوانی همه با هم بودند
از چه صهبا طلیش در سر این پیر افتاد

(بنقل از مرتضی مدرّسی چهاردهی، تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۲۳۹)

۲۳- نامه فرهنگستان علوم، شماره ۶ و ۷ بدون ذکر منبع ۷۲.
۲۴- همان منبع، ص ۷۲.

**استاد سید جلال‌الدین آشتیانی: بنده تاکنون، عارف
محقق یا صوفی صفی‌القلبی را ندیده‌ام که در حکمت
و عرفان اسلامی به پایه استاد مشایخناالعظام، آقا
محمد رضا قمشه‌ای رسیده باشد.**

پرشورترین و پویاترین اوقات در حوزه عرفانی و فلسفی تهران، دورانی است که عارف حکیم الهی آقا محمد رضا قمشه‌ای به تهران می‌آیند و مربع حکمای الهی با وجود ایشان در تهران کامل می‌شود. صاحب‌المآثر و الآثار که از مریدان آقا علی مدرس است و درس آقا محمد رضا را درک نکرده است درباره عارف نابغه تهران

گردد: «آقا محمد رضا از قمشه اصفهان و از صنایع مدرسین مکتب عرفان بود. اواخر عمر به تهران آمد و در مدرسه میرزا شفیع صدراعظم، مجلس افاضت همی داشت. کتب محیی‌الدین و مشروح آنها را به ضمیمه سایر مصنفات متصوفه و رسایل عرفا تدریس می‌فرمود»^{۲۹}.

در تدریس، حال جذبه و شوری عجیب داشته که شاگردانش را از خود بیخود می‌ساخته و به ساحت قرب و انس حضرت حق می‌برده، از سرچشمه‌های نور حکمت و معرفت می‌نوشانده است.

حکیم الهی جهانگیرخان قشقائی از نحوه اولین درس

آقا محمد رضا قمشه‌ای بجهت شکایت از بعضی از اصحاب قدرت^{۲۵} در سال ۱۲۹۴ هجری از اصفهان به تهران مهاجرت کرد، و در مدرسه میرزا شفیع خان صدراعظم، - مدرسه صدر^{۲۶} - اقامت گزید. و در اینجا، حکایتی است خواندنی و آن اینکه:

«قمشه‌ای در سفر تهران به مدرسه صدر شد و محصلی «انموذج» بدست داشت و سؤال از او کرد و چون جواب شنید بنزد طلاب شد و گفت آخوندی آمده است که «انموذج» خوب می‌داند! و استاد آنان بیامد و فضل او را دریافت و گفت شما را از او حاصلی نتواند بود... و بهر تقدیر که بود نگه داشتند او را»^{۲۷}

بعد از آمدن آقا محمد رضا قمشه‌ای به تهران بساط تدریس عرفان و حکمت الهی بر مشرب خاص ایشان گسترده شده، بطوریکه آوازه‌اش در شهر تهران پیچیده، هر که می‌خواست عرفان و آثار محیی‌الدین و شارحانش را بخواند، بنزد وی می‌شتافت.

از اینرو، تعداد زیادی از شاگردان میرزای جلوه، آقا علی مدرس طهرانی و میرزا حسین سبزواری نزد آقا محمد رضا، عرفان و حکمت تلمذ می‌نمایند.

مشرب و مدرس هر یک از حکمای اربعه، متفاوت از همدیگر بوده است و بنا بر ذوق شاگردان، بنظر می‌رسد که گهگاه اساتیدشان را مقایسه می‌کرده‌اند و به این واسطه ظاهراً تعارضی علمی بین میرزای جلوه و آقا محمد رضا بروز می‌کند.

گرچه افق فکری و مشرب حکمی هر یک از اساتید فرق داشته است ولی با آمدن و شد شاگردان جزّ و بحث‌های علمی بالا گرفته، سیدالحمماء میرزای جلوه درصدد تدریس عرفان بر می‌آید که بدلیل ندیدن اساتید در آثار محیی‌الدین و شارحانش از پس تدریس بر نمی‌آید.^{۲۸}

حوزه درس میرزای جلوه در تهران چهل سال و آقا علی مدرس سی سال و آقا محمد رضا قمشه‌ای به مدت ده سال بوده است.

۲۵- گرچه در چند جا اینطور نقل شده، ولی هیچ اشاره‌ای به اینکه از چه کسانی و نزد چه کسی شکایت برده شده، ننموده‌اند. احتمالاً هجرت ایشان و جمعی از حکماء عرفای اصفهان برای اعتراض از شخص اول اصفهان و یا در اعتراض به روزگار آنروز آن دیار و آزار و اذیت‌هایی بوده که برایشان می‌رفته است.

۲۶- به احتمال دومین مدرسه ساخته شده در تهران عصر قاجار است که در انتساب به بانی‌اش میرزا شفیع مازندرانی صدراعظم عصر فتحعلی شاهی به مدرسه صدر معروف شد. او در ضلع غربی جلوه خان مسجد جامع جدید مدرسه کوچک صدر را بنا کرد. تاریخ بنای این مدرسه گویا با بنای جامع در ۱۲۲۴ ق تقارن داشته است. از دیگر استادان مدرسه صدر پس از حضرت قمشه‌ای آقا میرزا شهاب‌الدین نیریزی شیرازی، و میرزا علی محمد حکیم اصفهانی می‌باشند. (کسائی، نامه فرهنگ شماره ۳۰، ص ۱۲۲-۱۲۰)

۲۷- استاد صدوقی سها، ذیل فص شینی، ص ۶، بنقل از حکیم انبی آقا مرتضی مدرس گیلانی.

۲۸- استاد آشتیانی، سید جلال‌الدین، مقدمه الشواهد الربوبیه، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۶۸.

۲۹- اعتماد السلطنه، المآثر و الآثار، ص ۱۶۴.

استاد آقا محمدرضا قمشه‌ای چنین گوید:

«من (جهانگیرخان قشقائی) به سائقه تحصیل به حضرت قمشه‌ای به تهران شدم و غلبه شوق را به همان شب ورودم به هدایت کسی بمحض او رفتم. هیچگونه جنبه علمائی نداشت و به کرباس فروشان سده می‌مانست، بحالت جذبه. و چون طلب بنمودم بفرمود که فردا به خرابیات آی. و خرابیات جایی بود بیرون خندق و درویشی بدان قهوه‌خانه‌ای داشت (محل تردد اهل ذوق) فردا بدان مقام شدم و بیافتم او را بخلوتگاهی بر حصیری نشسته و «اسفار» برگشودم و او بر خواند آنرا (اسفار) را از سینه و چنان تحقیق کرد که نمانده بود که دیوانه شوم و او حالت من دریافت و فرمود: «قوت می‌بشکنند ابریق را»^{۳۰} به کف گرفت چو ساغر، نگار باده فروشم نداده باده بدستم، نه عقل ماند و نه هوشم^{۳۱} در تسلط و تبخر استاد حکیم عارف در تدریس عرفان، صاحب «طرائق» آورده است که:

«گمان نمی‌رود فصوص الحکم را بعد از صدر قونوی کسی بهتر از وی مباحثه نموده باشد»^{۳۲} قیامت است می‌ارغوان ز پنبه ساقی اجازه گر دهی ای شیخ یک پیاله بنوشم^{۳۳} آقا بزرگ تهرانی (ره) آورده که: «در اکثر علوم بخصوص در معقول و عرفان و کتب متصوفه مشغول تدریس بوده و اغلب کتب محیی‌الدین عربی و شروح آن و سایر رساله‌های عرفانی را تدریس می‌کرده است»^{۳۴}.

آقا میرزا ابوالفضل تهرانی نوری در شرح حال خود مراتب تقوی و طهارت ذاتی استاد عزیز خود را بر شمرده، می‌گوید:

«در علوم الهیه احدی در عصر ما در حد آقا محمدرضا نیست. گوید:

قَرَأْتُ عِنْدَهُ كِتَابَ «الاسفار» و «المبدأ و المعاد» لَمْ يَكُنْ أَحَدًا مِثْلَهُ. وَ كَانَ هَذَا الشَّيْخِ سَلِيمِ الْجَنَّةِ، قَوِيَّ الْإِيمَانِ، وَ لَطِيفَ الْعَسْرَةِ. كَانَ عَارِفًا وَ حَكِيمًا، مُحَقِّقًا لَمْ يَزْمِئْهُ.»^{۳۵}

«عارف حکیم در مقام تقریر مباحث توحید و ولایت نفس شاگردان در سینه‌شان حبس می‌شد. و در اوایل جلسه درس که حال آرامتری داشته عارف و عامی را بر جای می‌خکوب می‌کرده است»^{۳۶}.

«آقا محمدرضا اعلیٰ... قَدْرَهُ وَ رَفَعَهُ... شَأْنَهُ، از این جهت که این کتاب را چندین دوره تدریس کرده‌اند. آنچنان

در حل رموز بحث ماهرند که این بنده حقیر - استاد سید جلال آشتیانی - با تفحص و سیر زیاد در کلمات اعلام این فن شریف، حقاً احدی را، چه از نظر بحث بر طریقه عرفانیه و چه از جهت غور، بنابر طریق استدلال، مانند ایشان نیافته‌ام. بنده تاکنون عارف محقق یا صوفی صفی‌القلبی را ندیده‌ام که در حکمت و عرفان اسلامی به پایه استاد مشایخنا المعظام، آقا محمدرضا قمشه‌ای رسیده باشد.^{۳۷}

شاگردان عارف الهی و حکیم صمدانی آقا محمدرضا قمشه‌ای

برخی از شاگردان استاد عارف حکیم به قرار ذیل آورده می‌شود:^{۳۸}

- ۱- آقامیرزاهاشم اشکوری (متوفایه سال ۱۳۳۲ هـ ق)
- ۲- آقامیرشهاب‌الدین نیریزی (متوفایه حدود ۱۳۲۰ هـ ق)
- ۳- آقامیرزا محمود مدرس قمی (۱۲۷۰-۱۳۴۶ هـ ق)
- ۴- آقامیرزا حسن کرمانشاهی (متوفایه سال ۱۳۳۶ هـ ق)
- ۵- آقامیرزا طاهر تنکابنی (متوفایه ۲۸ محرم سال ۱۲۸۰ هـ ق)
- ۶- آقامیرزا ابراهیم ریاضی زنجانی (متوفایه سال ۱۳۵۱ هـ ق)
- ۷- میرزا علی اکبر مدرس یزدی (متوفای ۱۳۵۴ هـ ق)
- ۸- میرزا طفعلی صدرالافاضل دانش (۱۲۶۸ شیراز - ۱۳۵۰ تهران)
- ۹- آقا میرزا ابوالفضل تهرانی (۱۳۱۶ هـ ق)
- ۱۰- آقا شیخ علی نوری (متوفایه حدود ۱۳۳۵)
- ۱۱- شیخ حیدر نهاوندی (متوفای قبل از ۱۳۲۰)
- ۱۲- جلال‌الدین میرزا ابوالفضل عنقا طالقانی (۱۲۶۶ هـ ق قزوین - ۱۳۳۳ هـ ق تهران)
- ۱۳- شیخ رئیس ابوالحسن میرزای قاجار حیرت (۱۲۶۴ هـ ق تبریز - ۱۳۳۶ هـ ق تهران)
- ۱۴- میرزا جعفر ملقب به میرزا کوچک آشتیانی (متوفایه سال ۱۳۲۴ هـ ق)
- ۱۵- آقامیرزا محمد باقر اصفهانی (شهید در وقایع مشروطیت)
- ۱۶- جهانگیرخان قشقائی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۸ هـ ق)
- ۱۷- آخوند ملا محمد کاشانی (۱۳۳۳ هـ ق)

۳۰- مقدمه ذیل فص شیبی، ص ۱۴.

۳۱- بیتی از غزل مذکور آقا محمدرضا قمشه‌ای.

۳۲- مدرسی چهاردهی، مجله یادگار، سال ۳، شماره اول، ص ۷۵ به بعد.

۳۳- بیتی از غزل مذکور آقا محمدرضا قمشه‌ای.

۳۴- مقدمه ذیل فص شیبی، ص ۱۴.

۳۵- شرح فصوص الحکم استاد آشتیانی، انتشارات علمی و فرهنگی سال ۱۳۷۵، ص ۸.

۳۶- همان منبع، ص ۹. ۳۷- همان منبع، ص ۱۱-۱۰.

۳۸- مقدمه ذیل فص شیبی، ص ۱۶.

- ۱۴- دیوان اشعار با تخلص صهبا^{۵۰}.
- ۱۵- رساله فی الرد علی الاعتراض علی دلیل امتناع
انتزاع واحد فی الحقائق المختلفة (نسخه خطی کتابخانه
مرکزی مجموعه ۵۲۴۸)^{۵۱}.
- ۱۶- رساله جوابیه در شرح فقره «اللهم انی اسئلك من
بهائک با بهاء و کل بهائک بهی» (از دعای سحر).
پیش از جوابیه عارف حکیم آقا محمد رضا قمشه‌ای آمده:
«هذا جواب عن فعل المعظم والوحيد المكرم و
الحکیم المحکم عالیجناب فضائل مآب مستغنی عن
الألقاب، آقا محمد رضا علیه الموح و الثناء الشهیر
بقمشه‌ای مدّله»
و در آغاز جوابیه، عارف الهی حضرت قمشه‌ای فرمایند:
«ذاته تعالی نور محض، و بهاء صیرف، لأنور و
لأبهی منها، و التور لا یفیض منه إلا النور...»^{۵۲}
همانطوریکه در پاورقی آثار عارف الهی حضرت
قمشه‌ای آمده؛ بیشتر رسالات وی ذیل «شرح فصوص

- ۱۸- آقا حسین نجم آبادی (متوفا به ۱۳۴۷ هـ ق)
۱۹- عبدالعلی میرزا پسر فرهاد میرزا قاجار.
۲۰- میرزا سید حسین صدر الحفاظ قمی (متوفا به
۱۳۳۴ به تهران)
۲۱- میرزا ابوالقاسم آشتیانی.
۲۲- آقا شیخ علی اکبر نهاوندی (۱۲۷۷-۱۳۶۹ هـ ق در مشهد)
۲۳- آقا میرزا علی محمد اصفهانی (متوفا ۱۳۴۳ هـ ق)
۲۴- آقا میرزا صفای شاعر اصفهانی (متوفا ۱۳۲۲ هـ ق)
۲۵- آقا میرزا محمود پسر صالح بروجرودی (۱۳۳۸
هـ ق مقتول در راه عتبات)
۲۶- آقا میرزا عبدالله ریاضی.
۲۷- آقا میرزا محمد مهدی قمشه‌ای.
۲۸- ملک الشعراء میرزا محمد حسین عنقار بن همام شیرازی.
۲۹- امین الحکماء.
۳۰- میرزا نصرالله حکیم قمشه‌ای (۱۲۵۷-۱۳۲۴ هـ ق)
۳۱- آقا شیخ غلامعلی شیرازی.
۳۲- فضل الله خان آشتیانی^{۲۹}.

آثار عارف حکیم:

- ۱- رساله ولایت: شرحی است ذیل فصّ شیشی
فصوص الحکم.
«در فصل شش در بحث «ولایت» و تقسیم آن به
ولایت مطلقه و مقیده، استاد زمان خود، آقا محمد رضا در
رساله جداگانه به ایراد و مناقشه و اشکالات عمیق و دقیق
بر کلمات شارح در مسئله ختم ولایت پرداخته، و اثبات
کرده است که: «خاتم ولایت مطلقه آدم الاولیاء، علی بن
ابی طالب، است، و دیگر اولیای محمدین ولایت وارثان
ولایت محمدیه موهوبی است، مانند اصل نبوت مطلقه
و صاحبان مقام و مرتبه نبوت، نبوت آنها موهبتی است و
آنان بی نیاز از معلم بشری هستند.»^{۴۰}
- ۲- رساله موضوع الخلافة الکبری^{۴۱}.
- ۳- رساله در شرح حدیث زندیق^{۴۲}.
- ۴- رساله فی الفرق بین الاسماء الذات و الصفات^{۴۳}.
- ۵- رساله در شرح اسفار اربعه^{۴۴}.
- ۶- رساله در موضوع علم^{۴۵}.
- ۷- حواشی بر اسفار^{۴۶}.
- ۸- تعلیقات بر الشواهد الربوبیه.
- ۹- رساله در تحقیق معنای جوهر و عرض در لسان اهل...^{۴۷}
- ۱۰- حواشی بر فصّ محمدی و فصّ آدمی و فصّ
نوحی و فصوص دیگر^{۴۸}.
- ۱۱- حواشی بر مفتاح قونوی فناهراً.
- ۱۲- حواشی بر کتاب تمهید القواعد ابن ترکه.
- ۱۳- رساله وحدة الوجود^{۴۹}.

- ۳۹- شرح فصوص استاد آشتیانی، ص ۶۱.
- ۴۰- مقدمه شرح فصوص الحکم استاد آشتیانی، ص ۱۰.
- ۴۱- این رساله ذیل فص داوودیه با رساله ولایت ذیل فصّ شیشی
فصوص الحکم به کوشش استاد صدوقی سها در مطبوعه نور قزوین
در سال ۱۳۵۴ به چاپ رسیده است. همچنین رجوع شود به شرح
فصوص الحکم استاد آشتیانی، رساله ولایت ذیل فصّ شیشی در ختم
ولایة المحمدیه، ص ۴۴۰ و رساله خلاصه الکبری ص ۹۵۶ تا ۹۵۹.
- ۴۲- نسخه‌ای از این شرح در نزد آقا میرزا ابوالفضل تهرانی بوده
که تم یقراً است. بنقل از استاد صدوقی سها، نسخه خطی ملک
۵۷۵۹ بنقل از نامه فرهنگستان علوم شماره ۶ و ۷.
- ۴۳- شرح فصوص آشتیانی، ص ۵۵-۵۴.
- ۴۴- ملاصدرا، اسفار اربعه، چاپ بیروت، ج ۱، ص ۱۶-۱۳،
همچنین ببینید نامه فرهنگستان علوم شماره ۶ و ۷، ص ۱۰۹-۱۰۴.
- ۴۵- این رساله به همراه رساله خلافة الکبری در آخر رساله جمع
بین الرایین فارسایی در تهران به چاپ رسیده است (مدرس
چهاردهی - مجله یادگار).
- ۴۶- ملاصدرا، اسفار اربعه، چاپ بیروت.
- ۴۷- شرح فصوص استاد آشتیانی، ص ۸۵-۸۳.
- ۴۸- همان منبع.
- ۴۹- این رساله با حواشی میرزا ابوالحسن جلوه به همراه حواشی
بر تمهید القواعد با اصل کتاب تمهید و رساله مفتاح مفاتیح
الفصوص با حواشی آقا میرزا هاشم اشکوری از شاگردان ارشد آقا
محمد رضا بر رساله مفتاح مفاتیح الفصوص نوشته‌اند به ضمیمه
چند رساله دیگر و حواشی دیگر از معارف حکما و عرفا در یک
مجله در تهران به سال ۱۳۱۶ هـ ق به چاپ رسیده است. همچنین
رجوع شود به شرح فصوص استاد آشتیانی ص ۲۸-۲۵ (مدرس
چهاردهی، تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۲۳۸-۲۳۷).
- ۵۰- تذکرة القبور، ص ۳۲۸.
- ۵۱- نامه فرهنگستان علوم شماره ۶ و ۷.
- ۵۲- همان منبع بنقل از حضرت استاد حائری (ره).

الحکم» قیصری یا دیگر آثار عرفان و حکمت آمده است که بطور مستقل هم بعضاً بطبع رسیده است. شایان ذکر است که حضرت استاد سید جلال الدین آشتیانی دام عزه در شرح فصوص الحکم قیصری بسیاری از این حواشی و شروح را از عارف حکیم یا شاگردانش آورده‌اند و موجب احیای آن گشته‌اند.

برای آشنایی با بیان ذوقی عرفانی و برهان حکمی عارف بزرگوار، ارائه چند نمونه از آثار مطبوعه ممتنم است:
در لزوم احتیاج به مرشد برای سالک الی الله!

ذیل شرح مقدمه قیصری الفصل السادس فیما یتعلق بالعالم المثالی جمله: لذلك یتحتاج السالک الی مرشد یرشده و ینجیه من المهالک. عارف حکیم آقا محمدرضا ضمن برشمردن پنج حالت از دخول صور متمثله در خیال متصل، لزوم احتیاج به مرشد را بیان می‌کنند:

«اعلم، إن الصور المتمثلة فی الخیال المتصل قدیدخل من طریق الحواس الظاهرة، و قدیدخل من تخلیق القوة المتخیله، قدیدخل من طریق الباطن بتجلیات و تمثلات من عالم المعانی و العقول القدسیة و قدیحصل من انعکاس الصور الموجودة فی عالم المثال و الخیال المنفصل، و قد یرشده بتمثیل الأبالسة و الشیاطین الخارجة عن صقع وجود السالک التصله. و یرشده علی المرشد أن یرشده عارفاً بجمیع تلك العوالم و فارقاً بین موجوداتها و لیمیزها و یمیز الخبیث من الطیب و ینجیها من المهالک. لو خالی السالک و طلبه فلا یرفها و لا یمیزها و کثیراً ما یقع فی الضلالة و المهالک. فایاک أن تسلک بغرور من نفسک و ارشاد من لا یرشده عارفاً بتلك المعارف و علیک بخدمة الكامل المکمل:

قطع این مرحله بی همراهی خضر مکن
ظلماتست بترس از خطر گمراهی
و فی المثنوی المعنوی:

گفت پیغمبر علی را کای علی
شیر حقی پهلوانی پردلی
لیک بر شیری مکن هم اعتماد
اندر آ در سایه نسخل امید
اندر آ در سایه آن عاقلی
کش نتاند بسرد از ره ناقلی

(من استادنا الاجل میرزا محمدرضا) ۵۳

ارتحال عارف حکیم آقا محمدرضا قمشاهی:

صاحب المآثر و الآثار ضمن بیان کرامتی در وقت وفات عارف قمشاهی آورده است که:

«امسال که یکهزار و سیصد و شش هجری است در دارالخلافة [تهران] وفات یافت. نزدیک نزع با خواص خود گفته بود که آیا اسب سفیدی را که حضرت صاحب(ع) برای سواری من فرستاده‌اند دیدید؟»^{۵۴}

«وفات حاج ملاعلی مجتهد معروف کنی و آقا محمدرضا در یک شب بود اما اگر در وفات ملاعلی کنی تمام عالم شیعه عزاداری کردند و تعطیل عمومی شد. در تشییع جنازه آقا محمدرضا فقط چند نفر مثل مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه حضور داشتند.»^{۵۵}

حاج ملاعلی کنی در روز پنجشنبه ۲۷ محرم الحرام سال ۱۳۰۶ هـ ق وفات نموده،^{۵۶} با این حساب آقا محمدرضا قمشاهی نیز در روز پنجشنبه محرم ۱۳۰۶ رحلت کرده، از جهان ناسوتی با عنایات فیض لاهوتی به جهان جبروتی برگشودند.

مدفن عارف الهی را صاحب طرائق در ابن بابویه نزدیک قبر حاج آخوند محلاتی ذکر می‌کند. ولی مدفن اصلی‌اش را سر قبر آقا - امام جمعه تهران - به ایوان و سنگی کوچک دانند که بعلت خیابان کشی در آن محل، استخوانهای آقا محمدرضا را به ابن بابویه منتقل و دفن کرده‌اند. و الله اعلم.^{۵۷}

فرزند آقا محمدرضا، میرزا قوام‌الدین از فضلاء و علما بوده است.^{۵۸}

از رحمت آمدند و به رحمت روند خلق
این است سر عشق که حیران کند عقول
آدم همه به مذهب توحید زاده‌اند
این شرک عارضی شمر و عارضی یزول
یک نقطه دان، حکایت ماکان و مایکون
این نقطه که صعود نماید گهی نزول^{۵۹}

۵۳- شرح فصوص الحکم استاد آشتیانی، ص ۱۰۴.

۵۴- اعتماد السلطنة، المآثر و الآثار، ص ۲۲۲.

۵۵- مدرسی چهاردهی، تاریخ فلاسفه اسلام، ص ۲۳۶.

۵۶- اعتماد السلطنة، روزنامه خاطرات، چاپ امیرکبیر، سال

۱۳۵۰، ص ۵۹۴.

۵۷- مقدمه ذیل فصّ شیخی، ص ۲۱ و ۲۲ بنقل از جلال الدین همایی.

۵۸- تذکرة القبور، ص ۳۲۸.

۵۹- از اشعار آقا محمدرضا قمشاهی بنقل از نامه فرهنگستان

علوم شماره ۶ و ۷.